

بررسی میزان

محرومیت روستاها از

امکانات آموزش و پرورش



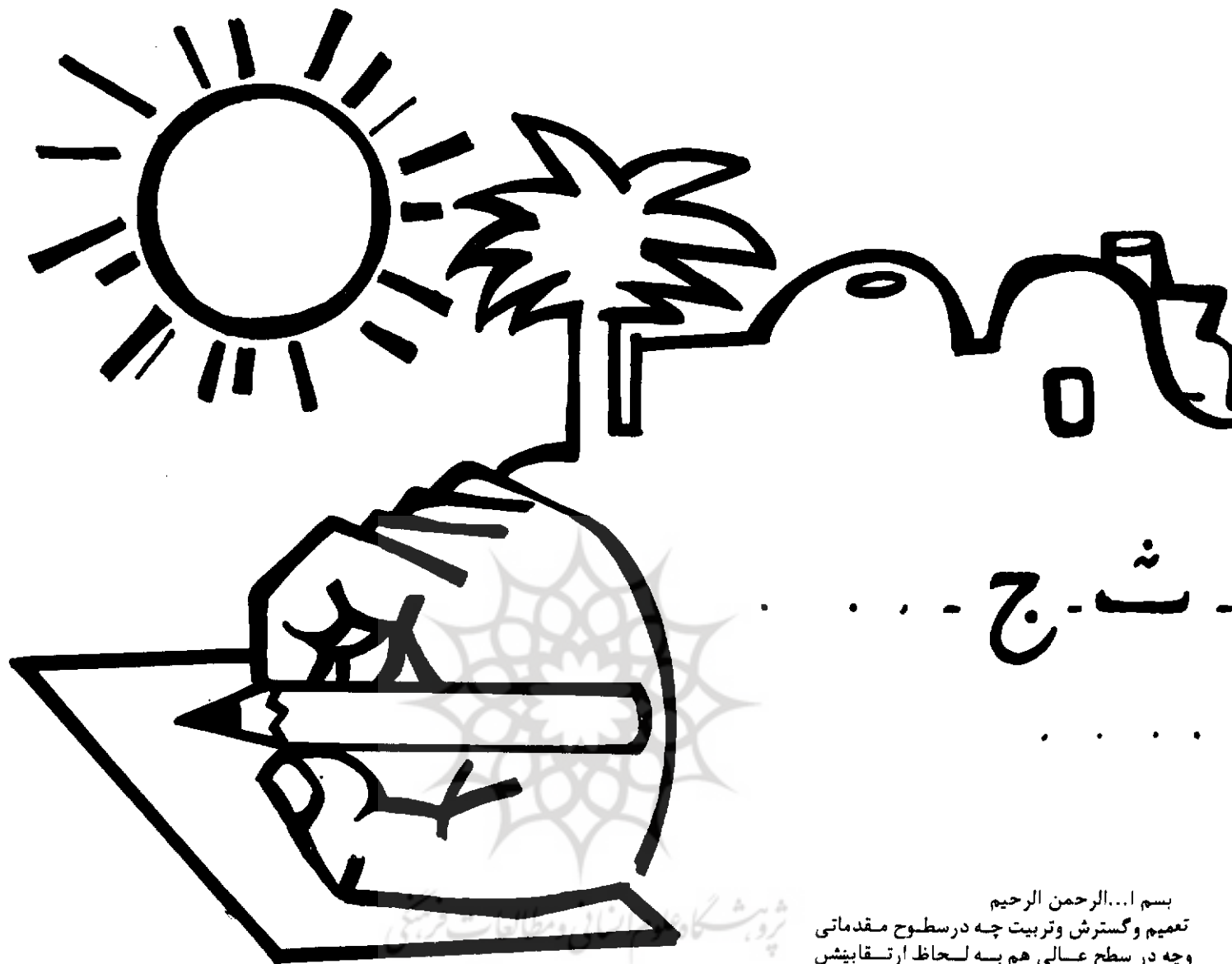
* یک نکته قابل توجه و در عین حال دردناک اینست که از ۲۱٪ دانش‌آموزان مقطع راهنمایی تحصیلی در کل کشور، تنها برای قریب ۶٪ دانش‌آموزان و از ۱۰/۴۰٪ دانش‌آموزان مقطع متوسطه در کل کشور، تنها برای کمتر از یک درصد دانش‌آموزان مناطق روستائی امکانات مختلف تحصیلی (اعم از فضای آموزشی و کادر آموزشی) وجود دارد. * پائین بودن درصد و میزان دانش‌آموزان در دوره‌های تحصیلی راهنمایی و متوسطه عمومی معلول: عدم وجود امکانات آموزشی مانند فضای آموزشی و کادر آموزشی، وضعیت اقتصادی خانوار روستائی و وضعیت اجتماعی و فرهنگی حاکم بر روستاهاست.

* براساس آمار موجود در سال تحصیلی ۶۲-۶۱ در تمام روستاهای ایران که بیشتر از ۵۵۰۰۰ روستا را شامل می‌شود، تنها ۵۴۲۰ مدرسه راهنمایی تحصیلی و ۷۹۵ دبیرستان وجود داشته و این مسئله نشان دهنده مشکل و مانع جدی در ادامه تحصیل دانش‌آموزان مناطق روستائی می‌باشد.

* از تعداد کل کادر آموزشی مشغول بخدمت در سال ۶۰-۵۹ در مناطق روستائی ۸۳٪ دارای مدرک تحصیلی دیپلم و کمتر از دیپلم فقط نزدیک ۲٪ دارای مدرک تحصیلی لیسانس و بالاتر بوده‌اند.

* برنامه‌های آموزش و پرورش در کشور ما بصورتی است که امکان راهیابی افراد روستائی به سطوح تحصیلات عالی و دانشگاهی را اگر نگوئیم غیرممکن، حداقل بسیار مشکل ساخته است.

* برادر حداد عادل معاونت پژوهشی وزارت آموزش و پرورش: «... ماهیت برنامه‌های فعلی (وزارت آموزش و پرورش) با شرایط فرهنگی و اجتماعی روستاها و عشایر تناسبی ندارد و نتیجه اش این می‌شود، هر که وارد مدرسه می‌شود کشاورز و عشایر باقی نمی‌ماند و از محیط کنده می‌شود و به همین دلیل ما معتقدیم باید ساخت نظام آموزشی در ارتباط با روستاها و عشایر دگرگون شود.»



ت. ج. . .

بسم الله الرحمن الرحيم

تعمیم و گسترش و تربیت چه در سطوح مقدماتی و چه در سطح عالی هم به لحاظ ارتقا پیش و آگاهیهای فردی در جهت رشد و تعالی وجودی فرد و هم به لحاظ ایجاد مهارت‌ها و تخصصهای لازم بعنوان یکی از لوازم رشد و توسعه اقتصادی جامعه بخصوص در ممالک عقب نگه داشته شده بسیار ضروری و درخور برنامه ریزی صحیح متناسب با شرایط فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی هر یک از کشورها می باشد.

دین اسلام بدلیل اعتقاد به نقش بنیادی تعلیم و تربیت در رشد و تعالی فرد جامعه بسوی خیر و صلاح، عنایت و توجه خاصی رانست به تعلیم و تعلم داشته و این یک پشتوانه محکم و عظیم فرهنگی جهت گسترش تعلیم و تربیت در کشور مامی باشد. بهر صورت گسترش تعلیم و تربیت از دو بعد که ارتباط و پیوستگی با هم دارند قابل تامل و بررسی است:

۱- رشد آگاهیهای سیای اجتماعی: با مشاهده و مطالعه تاریخ حرکت‌های انبیاء عظام الهی و در زندگی بشر، این واقعیت تلخ در برابر دیدگان

انسان جلوه گر می شود که پس از غیبت این بزرگواران از صحنه انقلاب عظیمی که برای رهائی و نجات انسان آغاز کرده بودند، مجدداً مستکبرین و مترفین وارث دستاوردهای انقلاب شده و حاکم بر جان و مال مردم گشتند. در ریشه یابی علت یا علل این امر، مشخص می شود که در تمام این موارد صاحبان زور و زور با استفاده از جهل و ناآگاهی مردم، آنها را تحمیق و استحمار نموده و از این راه توانسته اند با زدن نقاب طرفداری و حمایت از انقلاب، وارث انقلاب گردند و بدینوسیله این دشمنان رودر روی توحید و آزادی و عدالت، کسانی که در طول زندگی انبیا مدام با آنها در جنگ و نبرد و خصومت بوده اند، توانستند دوباره برگردند و مردم سوار شوند. در واقع ریشه انحراف انقلاب از مسیر اصلی خودش، جهل و بی خبری توده مردم بوده است و به همین دلیل است که در صحنه های

زیادی از تاریخ افراد خائن به بشریت با نقاب بشر دوستی، منصب حکومت و رهبری را غصب نموده و صالحان و اولیا خدا را منزی ساخته و مردم را از فیض رهبریها و رهنمودهای آنها محروم گردانیده اند.

۲- ریشه و توسعه اقتصادی

به تجربه ثابت گردیده که آن دسته از ملل جهان سوم که از قید و بند استعمار رهائی یافته اند چون نتوانستند به استقلال اقتصادی دست پیدا نمایند مجدداً بارشته های مرئی و نامرئی فراوان وابستگیهای سیاسی اجتماعی پیدا کرده اند. هر ملتی که بخواهد استقلال سیاسی فرهنگی خود را تضمین نماید لازم است، با فراهم آوردن امکانات و زمینه های لازم، هر چه سریعتر در بعد اقتصادی به استقلال دست یابد. البته تامین این هدف به عواملی بستگی دارد که

تأین عوامل فراهم نگردند استقلال اقتصادی نیز حاصل نمی‌شود. از جمله این عوامل یکی از مهمترین و اساسی‌ترین آنها، کسب مهارت‌ها و تخصص‌های لازم از طریق تربیت نیروی متخصص می‌باشد. ایجاد وسائیل و

امکانات تربیت نیروی انسانی متخصص جهت رشد و توسعه اقتصادی کمتر از سدسازی، بندسازی و ایجاد صنایع مادر نیست، بلکه به جهاتی، اساسی‌تر بوده و نسبت به آن در اولویت قرار دارد چرا که با اتکا به تخصصها است که می‌توان اقدام به طرح‌ریزی و اجرای برنامه‌های زیر ساخت توسعه اقتصادی نمود.

در کشور ما به دلایل چندی مسئله گسترش تعلیم و تربیت در روستاها و رفع محرومیتها در این خصوص از چهره روستا و روستائیان عزیز از اولویت خاصی برخوردار است. در صد این دلایل، امر تحقق آرمانهای والای انقلاب در جهت حاکمیت بخشیدن به صالحین و مستضعفین و نجات محرومین قرار دارد و روستائیان ما مستضعفترین قشر این جامعه هستند که در طول نظام ستمشاهی، ظلم و ستم بسیاری بر آنان رفته است و اکنون لازم است با فراهم آوردن امکانات جهت دخالت مستقیم آنان در مسائل جامعه و کشور بخصوص مسائلی که مستقیماً به زندگی خودشان مربوط می‌شود کمک نمود و یکی از اصلی‌ترین و اساسی‌ترین مقدمات این کار گسترش امکانات آموزش و پرورش در روستاها و مناطق عشایری است. از سوی دیگر روستا بعنوان پایه استقلال کشور شناخته شده و محور برنامه‌ریزیهای رشد و توسعه اقتصادی نیز رشد و توسعه کشاورزی اعلام گردیده است و دقت در این بعد مسئله نیز ایجاد و گسترش تعلیم و تربیت در روستاها را از اولویت برخوردار می‌سازد.

متأسفانه رژیم طاغوت بدلیل ماهیت وابسته و ضد مردمی خود در جهت تأمین اهداف و سیاستهای چپاولگرانه و تخریبی استکبار و امپریالیسم، روستا را به ویرانه تبدیل نموده و ایجاد امکانات برای یک زندگی انسانی را از روستائیان دریغ داشت. در خصوص آموزش و پرورش مناطق روستائی و عشایری نیز علیرغم هیاهو و تبلیغات فراوان رژیم، وضعیت روستائیان بهتر از جنبه‌های دیگر زندگیشان نبود.

سال ۱۳۴۵	
جمعیت ۷ ساله تعداد	درصد
۵۷۶۷۰۰۰	۱۴۶۴۰۰۰
۵۴۷۳۰۰۰	۲۳۶۰۰۰
۱۱۲۴۰۰۰	۱۷۰۰۰۰
۱۳۹۳۰۰۰	۱۵۱

سال	جمعیت ۶ ساله	تعداد	درصد
۱۳۵۵	۷۰۰۶۰۰۰	۳۰۵۳۰۰۰	۲۱/۹٪
	۶۹۲۴۰۰۰	۱۱۹۶۰۰۰	۸/۵۸٪
	۱۳۹۳۰۰۰	۴۲۴۹۰۰۰	۳۰/۱۵٪

جدول شماره یک تعداد و درصد باسوادان مناطق روستائی به تفکیک مرد و زن به نقل از سالنامه مرکز آمار ایران برطبق آمار جدول شماره یک تعداد باسوادان مناطق روستائی در طول سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ رشد متوسط

سال	تعداد	درصد
سالانهای برابر با ۱/۱۵۴٪ داشته یعنی در طول مدت ۱۰ سال بر تعداد باسوادان مناطق روستائی ۲۵۴۹۰۰۰ نفر افزوده شده و تعداد باسوادان از رقم ۱/۷۰۰/۰۰۰ نفر در سال ۱۳۴۵، به رقم ۴/۲۴۹/۰۰۰ نفر در سال ۱۳۵۵ رسیده است و در طول همین مدت تعداد بی‌سوادان معادل ۱۴۱/۰۰۰ نفر افزایش داشته است و با وجود برنامه سپاهیان دانش کذائی و آنهمه هیاهو و سر و صدا پیرامون انقلاب سفید شاهانه و هنگامیکه مملکت در آستانه ورود به تمدن بزرگ قرار داشت، در سال ۱۳۵۵ تعداد ۹/۶۸۱/۰۰۰ نفر یعنی تقریباً ۷۰٪ افراد ۶ ساله و بالاتر در روستاها از بیسوادی رنج می‌برده‌اند.		
جمعیت ۶ ساله	تعداد	درصد
۷/۰۰۶/۰۰۰	۳/۱۹۵۳/۰۰۰	۲۸/۳٪
۶/۹۲۴/۰۰۰	۵/۷۲۸/۰۰۰	۸۱/۱٪
۱۳/۹۳۰/۰۰۰	۹/۶۸۱/۰۰۰	۶۹/۴٪

جدول شماره ۲- تعداد درصد بیسوادان مناطق روستائی به تفکیک زن و مرد در سال ۱۳۵۵ (با استفاده از آمار سالنامه آماری مرکز آمار ایران)

شرح	تعداد دانش آموزان درصد
دوره تحصیلی ابتدائی	۵/۱۵۹۲/۸۰۸
راهنمائی تحصیلی	۷/۷۱۷/۰۹۷
متوسطه عمومی	۸۴۹/۰۵۴
جمع	۸/۱۵۸/۹۵۹
تعداد دانش آموزان مناطق روستائی	درصد
۲/۸۴۸/۲۳۲	۳۴/۹۰

سال	جمعیت ۶ ساله	تعداد	درصد
۱۳۵۵	۷۰۰۶۰۰۰	۳۰۵۳۰۰۰	۲۱/۹٪
	۶۹۲۴۰۰۰	۱۱۹۶۰۰۰	۸/۵۸٪
	۱۳۹۳۰۰۰	۴۲۴۹۰۰۰	۳۰/۱۵٪

جدول شماره ۳: درصد و تعداد دانش آموزان کل کشور در مناطق روستائی به تفکیک دوره‌های مختلف تحصیلی در سال تحصیلی ۶۲-۶۱ (جزوه خلاصه آمار وزارت آموزش و پرورش) در سال تحصیلی ۶۲-۶۱ مجموعاً ۴۱/۶۸٪ کل دانش آموزان (دوره‌های ابتدائی، راهنمائی تحصیلی، متوسطه عمومی) که معادل ۳/۴۰۲/۶۹۳ نفر می‌شود در مناطق روستائی به تحصیل اشتغال داشته‌اند که ۳۴/۹۰٪ در دوره ابتدائی و ۵/۹۵٪ در دوره راهنمائی تحصیلی و ۸/۸۴٪ در دوره متوسطه عمومی مشغول به تحصیل بوده‌اند و تفکیک این درصد دانش آموزان به نسبت دختر و پسر این ارقام را نشان می‌دهد (جدول شماره ۴) ۲۷/۴۶ درصد پسر و ۱۴/۲۴ دختر.

جدول شماره ۴- درصد دانش آموزان مناطق روستائی به تفکیک دختر و پسر در سال تحصیلی ۶۲-۶۱ نسبت به دانش آموزان کل کشور.

شرح	درصد	درصد
دوره تحصیلی ابتدائی	۲۲/۴۶ (پسر)	۱۲/۴۳ (دختر)
راهنمائی تحصیلی	۴/۳۹ (پسر)	۱/۵۴ (دختر)
متوسطه عمومی	۰/۶۰ (پسر)	۰/۲۴ (دختر)
جمع	۲۷/۴۶	۱۴/۲۴

یک نکته قابل توجه و درعین حال دردناک این که از ۲۱/۰۴٪ دانش آموزان مقطع راهنمائی تحصیلی در کل کشور، تنها برای ۵/۹۵٪ دانش آموزان و از ۱۰/۴۰٪ دانش آموزان مقطع متوسطه در کل کشور، تنها برای ۸/۸۴٪ (کمتر از یک درصد) دانش آموزان در مناطق روستائی امکانات مختلف تحصیلی (اعم از فضای آموزشی و کادر آموزشی) در دوره‌های راهنمائی و متوسطه وجود داشته است. باین بودن درصد و میزان دانش آموزان در دوره‌های تحصیلی راهنمائی و متوسطه عمومی معلول چندین عامل است که مهمترین آنها عدم وجود امکانات آموزشی مانند فضای آموزشی و کادر آموزشی در مناطق روستائی می‌باشد که سبب می‌شود تا تعداد و درصد قابل توجهی از دانش آموزان از امکان ادامه تحصیل محروم گردند. همچنین یکی دیگر از عوامل وضعیت اقتصادی خانوار روستائی است که موجب ترک تحصیل دانش آموزان بخصوص پسران را در این سنین فراهم نموده تا بتوانند با کار در مزرعه و در کنار خانواده خود زندگی خود و

مانند: پراکندگی روستا و پائین بودن تعداد دانش‌آموز در هر روستا بخصوص در دوره‌های راهنمایی و متوسطه که ایجاد مدرسه و فضای آموزشی لازم را با مشکل روبرو می‌سازد چرا که اولاً به هزینه زیادی نیاز دارد و دیگر اینکه در این دو دوره، بخصوص دوره متوسطه که به کادر آموزشی متخصص جهت تدریس نیاز هست، مسئله تأمین کادر آموزشی لازم نیز خود با موانع و مشکلات بسیاری همراه است. علت دیگر کمبودها و محدودیتهای فضای آموزشی را باید در سیاستهای تخریبی رژیم گذشته جستجو نمود که علیرغم تبلیغات زیاد، به مسئله ایجاد امکانات مختلف زندگی از جمله آموزش و پرورش در روستاها عملاً توجهی نمی‌شد.

در این خصوص جوامع عشایری نیز مشکلات خاص خود را دارند به اینصورت که عشایر معمولاً کوچ‌رو هستند و قسمتی از فصل بهار و پائیز را در حال کوچ هستند. با این وصف وضعیت و امکانات فعلی آموزش و پرورش بخصوص دایره کردن مدارس راهنمایی و دبیرستان هماهنگ با زندگی عشایری نیست چون این مدارس با توجه به امکاناتی که می‌بایست داشته باشد مانند آزمایشگاه و کارگاه و کادر آموزشی متخصص نمی‌تواند بصورت سیار باشد. برادر قشقایی یکی از اعضای گروه آموزشی عشایری و روستائی در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی وزارت آموزش و پرورش راه چاره این مشکل را در تأسیس و ایجاد آموزشگاهها و مجتمعات آموزشی شبانه روزی می‌داند که دانش‌آموزان عشایری را در خود اسکان می‌دهد و مشکل سیار بودن امکانات آموزشی را حل می‌کند. البته بجز چند مورد انگشت شمار و معدود که این مجتمعات از قبل ایجاد شده بود، این طرح و فکر مراحل مطالعه خود را می‌گذراند.

از ابعاد دیگر محرومیت روستا و روستائیان از امکانات آموزش و پرورش، کمبود کادر آموزشی بعنوان یکی از مهمترین مشکلات و علل محرومیت می‌باشد.

شرح

دوره تحصیلی
ابتدائی
راهنمایی
متوسطه عمومی
جمع

جدول شماره ۵- آمار اجمالی وضعیت آموزش و پرورش مناطق روستائی کشور در سال تحصیلی ۶۱-۶۲ (جزوه خلاصه آمار وزارت آموزش و پرورش در سال تحصیلی ۶۱-۶۲)

در سال تحصیلی ۶۱-۶۲، جمعیاً ۳/۴۰۲/۶۹۳ دانش‌آموز در ۴۳/۸۵۴ مدرسه با ۱۵۵/۳۰۷ کلاس در دوره‌های مختلف تحصیلی در مناطق روستائی تحصیل می‌کرده‌اند و ۱۹۰/۵۱۰ نفر از کارکنان وزارت آموزش و پرورش (کادر آموزشی، کادر اداری و خدمتگزار) در خدمت این عده بوده‌اند. بر این اساس نسبت دانش‌آموز به کلاس ۲۲ نفر بوده و همچنین به ازاء هر ۱۸ نفر دانش‌آموز یکی از کارکنان آموزش و پرورش مشغول خدمت بوده است، این رقم که ظاهراً نشان‌دهنده گرانی هزینه آموزش و پرورش در روستاها نسبت به شهر می‌باشد، عمدتاً ناشی از پراکندگی جغرافیائی روستاها و وجود تعداد کم دانش‌آموز در هر روستا می‌باشد.

با نگاهی دوباره به آمارها، یک بعد دیگر محرومیت روستائیان از امکانات آموزش و پرورش آشکارتر می‌گردد، بر اساس آمار در سال تحصیلی ۶۱-۶۲ در تمام روستاهای ایران که بیشتر از ۵۵/۰۰۰ روستا را شامل می‌شود تنها ۷۹۵ دبیرستان مدرسه راهنمایی تحصیلی و ۱۳۱/۴۱۲ وجود داشته و این مسئله نشان دهنده مشکل و مانع جدی در ادامه تحصیل دانش‌آموزان مناطق روستائی می‌باشد. محدودیت و کمبود فضای آموزشی چه در دوره ابتدائی و چه در دوره‌های راهنمایی و دبیرستان ناشی از چندعامل است



خانواده‌اش را تداوم بخشید. عامل دیگر وضعیت اجتماعی و فرهنگی حاکم بر روستاهاست، بعنوان مثال معمولاً دختران در این سنین ازدواج نموده و از ادامه تحصیل چشم می‌پوشند. البته این نکته قابل توجه است که درصد فوق مبین میزان واقعی دانش‌آموزان روستائی در دوره‌های تحصیلی راهنمایی و متوسطه نیست چرا که عده زیادی از دانش‌آموزان روستائی بعلت عدم وجود امکانات آموزشی در روستا مجبور می‌شوند به مراکز شهرها و بخشهای نزدیک مراجعه نموده و تحصیل خود را در این نقاط ادامه دهند که این خود عاملی در افزایش مهاجرت‌های روستائی می‌باشد. بهر صورت رقم ۸۴٪ دانش‌آموزان دبیرستانی در مناطق روستائی نشان دهنده یک واقعیت غم‌انگیز بوده و درصد بالای محرومیت روستائیان را از امکانات ادامه تحصیل بیان می‌نماید.

شرح	تعداد	تعداد کلاسها
دوره تحصیلی ابتدائی	۱۴۷/۳۰۱	۲/۸۴۸/۲۳۲
راهنمایی تحصیلی	۳۸/۲۹۰	۴۸۵/۷۵۸
متوسطه عمومی	۴/۹۱۹	۶۸/۷۰۳
جمع	۱۹۰/۵۱۰	۳/۴۰۲/۶۹۳
تعداد مدارس	۳۷/۶۳۹	۱۳۱/۴۱۲
	۵/۴۲۰	۲۰/۶۰۶
	۷۹۵	۳/۲۸۹
	۴۳/۸۵۴	۱۵۵/۳۰۷

معلم

لیسانس و بالاتر	فوق دیپلم	دیپلم	کمتر از دیپلم	جمع
۳۵	۳۶۹	۷۲/۶۲۰	۷/۶۷۰	۸۰/۶۹۴
۳۱۳	۱۷/۲۶۳	۱/۷۳۹	۷۵	۱۹/۳۸۹
۱/۹۹۹	۵۰۴	۱۹۷	۴	۲/۷۰۴
۲/۳۴۷	۱۸/۱۳۵	۷۴/۵۵۶	۷۴۹	۱۰۲/۷۸۷
مدیر و معلم				
لیسانس و بالاتر	فوق دیپلم	دیپلم	کمتر از دیپلم	جمع
-	۴۰	۱۸/۱۴۷	۴/۵۲۵	۲۲/۷۱۲
۴	۶۲۸	۱۱۸	۷	۷۵۷
۴۲	۲۱	۱۱	-	۷۴
۴۶	۶۸۹	۱۸/۲۷۶	۴/۵۳۲	۲۳/۵۴۳

تحصیلی ۶۰-۵۹ (با استفاده از سالنامه آماری وزارت آموزش و پرورش) در بررسی علل این امر باید به وجود دافعه در روستا و جاذبه در مناطق شهری اشاره نمود که سبب می شود تا افراد تحصیل کرده مسئله استقرار و اسکان در روستا و خدمت به روستائیان را از فکر و اندیشه خود بیرون نمایند. وجود

یکسری ملزومات و امکانات اولیه زندگی در روستاها از عوامل اولیه جذب جمعیت تحصیل کرده و متعهد به انقلاب، به روستاهاست که متأسفانه در اکثر روستاهای مائری از وجود و تامین چنین امکاناتی نیست. البته در اینجا غرض مطرح کردن مشکلات بسیار روستاها نیست بلکه بیان این واقعیت است که با وجود این مشکلات، از طرف دیگر وضعیت و برنامه های فعلی آموزش و پرورش در خصوص تربیت کادر آموزشی متخصص و متعهد و مومن به انقلاب مورد نیاز مناطق روستائی، چشم انداز روشن و مشخصی جهت رفع کمبودها نیست، و از سوی دیگر برنامه های آموزش و پرورش در کشور ما بصورتی است که امکان راهیابی افراد روستائی به سطوح تحصیلات عالی و دانشگاهی را اگر نگوئیم غیر ممکن، حداقل بسیار مشکل ساخته است و این مشکل یک رابطه علت و معلولی دو طرفه رانست به گسترش و یا محدودیت امکانات آموزش و پرورش در روستاها ایجاد نموده می نماید، به این مفهوم که گسترش تعلیم و تربیت در سطوح راهنمایی و متوسطه احتیاج به کادر آموزشی متخصص دارد و چنین کسانی افرادی هستند که تعلق به مناطق شهری دارند و در آنجا زندگی می کنند و با توجه به شرایط سخت زندگی در روستاها و مشکلات فراوانی که زندگی در روستا برای یک فرد غیر بومی به همراه دارد، درصد بسیار کمی از فارغ التحصیلان مراکز دانشگاهی حاضر هستند به روستا رفته و حداقل تحمل یک زندگی چند ساله را در آن شرایط بنمایند و نتیجه اینکه امکان گسترش تعلیم و تربیت در روستا بسیار محدود شده و در نهایت روستائی که خود بهتر از هر کسی می تواند با ادامه تحصیل و کسب تخصص های لازم، تعلیم و تربیت را در روستا گسترش دهد از ادامه تحصیل محروم می شود. و این در شرایط خاص یعنی تداوم محرومیت آموزش در روستاها. برنامه های آموزش و پرورش روستائی و عشائری در نظام جمهوری اسلامی باید بگونه ای باشد که در درجه اول با هماهنگی با سایر نهادها و ارگانها ذیربط و با فراهم آوردن شرایط یک زندگی عادی به جذب فارغ التحصیلان دانشگاهها جهت خدمت در مناطق روستائی همت گمارد و در درجه دوم بایاری و استمداد از خود روستائیان و عشائیر و با تربیت کادر آموزشی از خود روستائیان امکانات

مناطق روستائی ۸۳/۲٪ دارای مدرک تحصیلی دیپلم و کمتر از دیپلم و فقط ۱/۸۹٪ دارای مدرک تحصیلی لیسانس و بالاتر بوده اند.

مدرک تحصیلی	تعداد	درصد
لیسانس و بالاتر	۲/۳۹۳	۱/۸۹
فوق دیپلم	۱۸/۸۲۴	۱۴/۹
دیپلم	۹۲/۸۳۲	۷۳/۴۸
کمتر از دیپلم	۱۲/۲۸۱	۹/۷۲
جمع	۱۲۶/۳۳۰	۱۰۰

جدول ۷- درصد کادر آموزشی در مناطق روستائی به تفکیک مدرک تحصیلی در سال

جدول ۶- آمار کارمندان آموزشی مناطق روستائی به تفکیک سمت و مدرک تحصیلی در سال تحصیلی ۶۰-۵۹ (سالنامه آماری وزارت آموزش و پرورش)

در سال تحصیلی ۶۰-۵۹ جمعاً ۱۵۰/۸۱۲ کارمند آموزش و پرورش در ستمهای معلم، مدیر و معلم، ناظم یا معاون معلم ورزش و... در مناطق روستائی به خدمت اشتغال داشته اند (بجز استان خوزستان و برخی نواحی غرب کشور که مدارس بعلت جنگ تحصیلی دایر نبوده است). از این تعداد ۱۲/۶۳۳ نفر بعنوان کادر آموزشی (معلم-مدیر و معلم) در دوره های مختلف تحصیلی مشغول به تدریس بوده اند. تفکیک این تعداد کادر آموزشی بر مبنای مدرک تحصیلی ارقام زیر را نشان می دهد:

۲/۳۹۳ نفر دارای مدرک تحصیلی لیسانس و بالاتر، ۱۸/۸۲۴ نفر فوق دیپلم، ۹۲/۸۳۲ نفر دیپلم و ۱۲/۲۸۱ نفر دارای مدرک تحصیلی کمتر از دیپلم بوده اند. به مفهومی دیگر، از تعداد کل کادر آموزشی مشغول بخدمت در این سال در

لازم جهت تعمیم آموزش و پرورش و رفع محرومیتها رافراهم آورد.

مهندس بی آزار معاونت آموزشی وزارت آموزش و پرورش درخصوص برنامه‌های این وزارتخانه برای تامین کادر آموزشی ومورد نیاز مناطق روستائی می گوید: «... اخیراً طرحی تهیه شد بنام تربیت معلم روستائی ودرسال گذشته درچند استان کشور بمرورد اجرا گذاشته شد. دراین طرح پیش‌بینی شده که دانش آموزانی که سال سوم راهنمائی تحصیلی را بپایان رسانده‌اند بتوانند ازسال اول دبیرستان وارد دوره تربیت معلم روستائی بشوند. این افراد پس از چهارسال که این دوره را بتمام می‌رسانند بعنوان معلم روستا درروستاهای کشور به خدمت مشغول می‌شوند امسال نیز درنظر هست که انشا... نسبت به توسعه این مراکز اقدام بشود. یکی از محسّنات این مراکز این است که دیگر برای ورود به آن ما به دیلمه احتیاج نداریم چون درمناطق روستائی تعداد دبیرستانها کم است ومعمولاً دانش‌آموزانی که دیلمشان رازروستا گرفته باشند تعدادشان کم می‌باشد ولی مامدارس راهنمائیمان درمناطق روستائی نسبتاً زیاد است ومی‌توانیم دانش‌آموزان اینگونه مراکز رازبین روستائیان انتخاب بکنیم وههدف هم این

است که افراد این مراکز از بین روستائیان انتخاب بشوند و پس از پایان تحصیلاتشان در همان روستاهای خودشان بکار مشغول باشند». لازم بتذکر است همانگونه که قبلاً هم اشاره شد، چنانچه برای این افراد هم تسهیلات لازم جهت زندگی در روستا درنظر گرفته نشود تضمینی نیست که اصرار نداشته باشند که به شهر بیایند. یکی از عوامل اصلی و اساسی در ساختن افراد در جهت اهداف و آرمانهای یک نظام، محتوی

کتاب و دروس دوره‌های مختلف تحصیلی می‌باشد و همانطور که هماهنگی متون درسی با اهداف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و شرایط خاص مناطق روستائی زمینه اصلی را جهت دستیابی به آن اهداف فراهم می‌آورد. از سوی دیگر عدم تطابق متون درسی با اهداف کلی نظام ضربه‌ای است که در نهایت به آرمانهای آن وارد می‌آورد. اکنون مدتی است که در وزارت آموزش و پرورش و در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی این وزارتخانه گروهی تحت عنوان «گروه آموزشی عشایری و روستائی» تشکیل گردیده که در ارتباط با تغییر نظام آموزش و پرورش روستائی و عشایری مطالعه و تحقیق می‌کند. برادر دکتر حداد عادل معاونت پژوهشی وزارت آموزش و پرورش در این باره می‌گوید: «ماهیت برنامه‌های فعلی (وزارت آموزش و پرورش) با شرایط فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی روستاها و عشایر تناسبی ندارد و نتیجه‌اش این می‌شود که وارد مدرسه می‌شود کشاورز و عشایر باقی نمی‌ماند و از محیط کنده می‌شود و به همین دلیل ما معتقدیم باید ساخت نظام آموزشی در ارتباط با روستاها و عشایر دگرگون شود».

برادر جوام یکی از مسئولین و اعضای گروه آموزشی عشایری و روستائی این عدم تناسبها را در دو محور مطرح نموده و می‌گوید: «اولاً برنامه‌های فعلی آموزش و پرورش مهارتی را که یک روستائی و عشایری برای زندگی خود لازم دارد به او نمی‌دهد، محتوای کتابهای درسی مطالب ملموس برای روستائیان نیست و با فکر شهری برای روستائی نوشته شده است. ثانیاً این برنامه‌ها تطابق زمانی با فصل کار کشاورزی و دامداری زندگی عشایری ندارد». وی در مورد کارها و فعالیتهای گروه فق‌الذکر می‌گوید: «... چیزی را که ما باید مشخص نمائیم در ابتدا،

اهداف نظام از آموزش و پرورش است. اصولاً آموزش و پرورش در یک بستر فرهنگی استفاق می‌افتد و بدون شناخت بستر نمی‌شود جریانی را در آن به حرکت درآورد و در هر بستری لایه‌های زیرین باید شناخته شود تا رویه را شناخت و خاصیت‌هایش را دریافت، آمدم و گذشته آموزش و پرورش در روستاها را بررسی کردیم، ما از اول ظهور اسلام و حتی قبل از آن آموزش و پرورش را در ایران و روستاها مورد مطالعه قرار دادیم و اوضاع اقتصادی، اجتماعی کشور علی‌الخصوص روستاها و عشایر و بعد آن خط سیری که آموزش و پرورش رسمی از آغاز دارالفنون شروع بکار کرده و همینطور آموزش و پرورش غیررسمی را که از ظهور اسلام به شکل خاص در کشور بوده بررسی کردیم تا انقلاب اسلامی، و یک مقطع دیگر بعد از انقلاب است این هم کلی بررسی شده که از مجموعه این شناخت خواهیم توانست آموزش و پرورش ایده‌آلی با توجه به بافت خاص فرهنگی و اجتماعی روستاها و عشایر و با توجه به سیاستهای کلی توسعه اقتصادی اجتماعی کشور را برنامه‌ریزی بسکنیم، البته

کارهایی توسط واحدهای مختلف وزارت آموزش و پرورش انجام شده ولی درباره محتوی دروس مراکز تربیت معلم، یک درس تحت عنوان آشنائی با جوامع عشایری و روستائی قرار داده شده (در رشته‌های ابتدائی و علوم اجتماعی) و یک سری مطالبی در کتابهای درسی مانند سیمای روستای ما، زندگی ایلی و... توسط گروههای مربوطه آموزشی سطوح مختلف تحصیلی گنجانیده شده است». برادر جوام در پایان اضافه می‌نماید: «این گروه (آموزش عشایری روستائی) از پانزده نفر کارشناس ثابت و نیمه وقت تشکیل گردیده که نتیجه مطالعات و پیشنهاداتشان در شورائی بنام شورای برنامه، نمایندگان کمیسیونهای کشاورزی و آموزش و پرورش مجلس، مرکز عشایری (سازمان امور عشایر)، معاونتهای آموزشی و فنی و حرفه‌ای وزارت آموزش و پرورش و عده‌ای از کارشناسان ذیربط بررسی می‌شود».

(باتوجه به مطالب عنوان شده باید مطرح شود که اولاً: همه افراد واجب‌التعلیم روستائی باید زیر پوشش تعلیم و تربیت قرار گیرند، ثانیاً: اهداف تعلیم و تربیت در روستا باید بر مبنای زندگی فرهنگی اجتماعی آنها باشد و ثالثاً باید شرایطی فراهم شود که مریبان صاحب صلاحیت در روستاها جذب شوند).